

اختناق و تعرض به معیشت مردم را باید با قدرت عقب زد!

مردم و حزب ما در مقابل یک آزمایش قرار گرفته اند

خلاصه مصاحبه تلویزیون پرتو با کورش مدرسی



koorosh.modarresi@gmail.com

تلویزیون پرتو:

امریکا در خاورمیانه در مقابل جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی، هر دو طرف دعا (جمهوری اسلامی و دولت آمریکا) از جنگ واقعی کمی دورتر شده اند بیشتر فضای جنگی است و تبلیغات جنگی مبنای سیاست شان است. جمهوری اسلامی برای مقابله با مردم و آمریکا برای ایجاد کم رنگ کردن شکست در عراق و لبنان.

تلویزیون پرتو:

میتواند مردم را از صحنه سیاست عقب براند. این کاری است که رژیم به آن مشغول است و در پرتو آن به آزادی های سیاسی و اجتماعی تعرض میکند، به معیشت مردم و طبقه کارگر است. هجوم می آورد.

فضای نظامی یاد آور صحنه هایی است که سرباز ها و نظامیان خیابانها را قرق کنند، بساط شلاق و اعدام و زهر چشم گرفتن ها را پهن کنند. ما تا حدودی از این صحنه ها داشته ایم. اما از طرف دیگر کشاد بودن این پروسه را هم شاهد هستیم. نمونه اسائلو و خیلی های دیگر دستگیر میکنند و بعد از مدتی آزاد میشوند. حمله به زنان و بد حجابی را داشتیم، مدتی بطول انجامید و عقب نشستند. بنظر شما رژیم فضای جنگی مد نظر را چگونه میخواد به پیش ببرد؟

کورش مدرسی:

فضای جنگی الزاما به معنای این نیست که سرباز به خیابانها می آورند. فضای جنگی یک حالت اضطراری و فوق العاده در جامعه مهمترین فاکتوری است که

میخواهیم به تعرضات هر چه بیشتر رژیم به مردم، آزادیهای مردم و سطح معیشت آنها بپردازیم. قیل از آن اجازه دهید آخرین تحولات کشمکش میان آمریکا و ایران بر سر پرونده اتمی را مرور کنیم. پاسخ ایران به آنچه بسته پیشنهادی غرب موسم است، کشمکش را همچنان باز نگه داشته است. در اینمورد ارزیابی های مختلف مطرح است. از جمله اینکه جواب سربالای رژیم تهران در موقعیت سیاسی بهتر پس از جنگ لبنان، ناشی میشود. از طرف مقابل هم گفته میشود که آمریکا دست به تعرض بیشتر خواهد زد. آیا اوضاع رو به حدت است؟ کلا شما در این مورد و چشم انداز این کشمکشا چه فکر میکنید؟

کورش مدرسی:

پیروزی حزب الله در لبنان قطعاً موقعیت جمهوری اسلامی را تقویت کرده است. این به جمهوری اسلامی امکان داده است تا با اعتماد بیشتری فضای جنگی را در داخل کشور دامن بزند. کلا امروز با تضعیف بیشتر

جمعه ما منتشر میشود

کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۰ شهریور ۱۳۸۵ - ۱ سپتامبر ۲۰۰۶

سر دبیر: آذر مدرسی

www.hekmatist.com

لزوم اتحاد کل طبقه کارگر علیه بیکاری

خلد حاج محمدی

صفحه ۲

تابستان ۶۷ یکی از مقاطع تاریخ خونین

سرکوبگری جمهوری اسلامی

صفحه ۴

تلویزیون پرتو

هر جمعه بین ساعت ۵ و نیم تا ۶ و نیم

بعد از ظهر بوقت تهران از کانال یک

(شبکه هات برد) پخش میشود، تکرار

برنامه ظهر روز بعد.

تلفن تماس:

۰۰۶۶۷۰۷۳۹۹۸۶۸

parto.tv@gmail.com

در کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست شرکت کنید

شرکت در کنگره برای عموم آزاد است و همه علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنگره حزب حضور یابند.

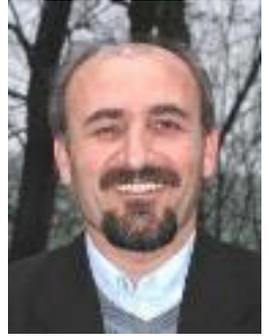
کنگره در روزهای شنبه و یکشنبه ۲۱ و ۲۲ ماه اکتبر ۲۰۰۶ (۲۹ و ۳۰ مهر ماه ۱۳۸۵) در آلمان برگزار میشود. برگزاری اولین کنگره حزب حکمتیست، فرصت مناسبی است برای آشنایی از نزدیک با حزب حکمتیست، ارگانهها، رهبری و کادرهای آن در جریان عالیترین ارگان حزبی.

برای ثبت نام و دریافت کارت ورودی و اطلاعات لازم در اسرع وقت با شماره تلفن ها، و یا ایمیل زیر تماس بگیرید.

congere1_hekmatist@yahoo.com

اسد نودینیان: 0046 73 65 355 67 خالد حاج محمدی: 0046 70 74 85 7 54

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



khaledhaji@yahoo.com

خالد حاج محمدی

لزوم اتحاد کل طبقه کارگر علیه بیکاری

اعتصاب کارگران پریس سنندج پایان یافت، اما این کشمکش به شیوه‌های دیگر ادامه خواهد یافت. زندگی برده وار طبقه کارگر و مردم محروم زیر سلطه نظام ضد کارگر اسلامی ایران، راهی برای طبقه کارگر جز به زیر کشیدن این رژیم باقی نمیگذارد.

بعد از ۱۲ روز اعتصاب و تلاش و مبارزه قابل تحسین، روز چهارشنبه هشتم شهریور اعتصاب کارگران پریس سنندج پایان یافت. صبح روز چهارشنبه بنیال مذاکراتی میان نمایندگان کارگران با کارفرما و نمایندگان اداره کار و دولت و تامین بخشی از خواسته‌های کارگران، اعتصاب پایان یافت و کارگران بعد از ظهر همین روز به سر کارهای خود بازگشتند.

طبق توافقات حاصله قراردادهای به روال قبل و دو ماهه تمدید خواهد شد، وثیقه ۲ میلیون تومانی درخواستی کارفرما به عنوان ضمانت عدم شرکت کارگران در هر اعتراضی پس گرفته شد، حداقل دستمزد ۱۸۰ هزار تومان پذیرفته شد. توافق شد که اخراج کارگران باید تحت اختیار کمیته انضباطی کارگری باشد و حکم اخراج ۴ نفر از کارگران لغو شد.

با تمام تلاشی که کارگران کردند نتوانستند حکم اخراج یکی از نمایندگان خود، بهزاد سهرابی را به کارفرما و دولت تحویل کنند. اعتصاب کارگران هر چند نتوانست به کل خواسته‌های آنها برسد ولی بخش مهمی از مطالبات آنها به کارفرما و دولت تحویل شد.

۱۲ روزی که گذشت مردم سنندج و شهرهای مختلف شاهد کشمکشی جدی میان کارگران و کارفرما و دولت حامی او بودند. در این ۱۲ روز کارگران تلاش زیادی برای جلب حمایت سایر بخشهای کارگری و مردم در

سنندج و سایر شهرها به عمل آوردند تا با قدرت و توان بیشتری در این زورآزمایی شرکت کنند. بخشهایی از مراکز کارگری در سنندج و شهرهای دیگر در این روزها از کارگران پریس و خواسته‌هایشان حمایت کردند و در کنار آنان بودند. خانواده کارگران پریس در این اعتصاب چه با شرکت مستقیم خود در تجمع آنان و چه با جلب افکار عمومی در سنندج و مراکز کارگری این شهر سهم مهمی در این کشمکش ایفا کردند. کارگران راههای مختلفی را برای فشار بیشتر و به میدان آوردن نیروی طبقاتی خود بکار بردند و در این میدان آزمون و درسهای زیادی آموختند. راههای مختلف را از اعتصاب در محل کار تا کشاندن اعتراض خود به خیابان و تا سر زدن به مراکز کارگری دیگر و جلب حمایت آنها و ... را آزمایش کردند. کارگران در این مدت یک همستگی و همدلی و اتحاد بالا را از خود نشان دادند. در همین ماجرا اهمیت همبستگی کارگری، لزوم اتحاد با سایر بخشها و ضرورت آن را عملاً آزمایش کردند.

همزمان کارفرما و دولت و اداره کارشان به کمک مرکز اطلاعات و نیروی انتظامی و با انواع شگردها از تهدید و ارباب تا به هم زدن تجمع کارگران و تاپوش نوزی و مدرک سازی را به کار بردند، تا اعتصاب مشروع و اعتراض بر حق آنان را در هم بشکنند. با تمام این توطئه ها و فشارهای روزمره سرانجام در مقابل اتحاد و

تصمیم راسخ کارگران، تسلیم شدند و به بخشی از خواسته‌های آنان گردن نهادند. آنها میخواستند با زور و ارباب کارگران را به بردگی کامل، به اخراج تمام کارگران مبارز و نمایندگان آنها و به تعهد به سکوت و تمکین در مقابل توحشی که میخواستند حاکم کنند وادارند.

اعتصاب کارگران پریس سنندج پایان یافت، اما این کشمکش به شیوه‌های دیگر ادامه خواهد یافت. زندگی برده وار طبقه کارگر و مردم محروم زیر سلطه نظام ضد کارگر اسلامی ایران، راهی برای طبقه کارگر جز به زیر کشیدن این رژیم باقی نمیگذارد. تعرض به کارگران پریس سنندج گوشه‌ای از تلاش همه جانبه جمهوری اسلامی برای به عقب راندن فضای اعتراضی کل مردم ناراضی است. جمهوری اسلامی میخواهد به بهانه کشمکش با امریکا به فضای نظامی و ترس و ارباب دامن زند. تعرض به دستمزد و سفره خالی طبقه کارگر و اعمال فلاکت و بی حقوقی بازهم بیشتر به این طبقه بخشی از اهداف رژیم در این میدان است. ایجاد فضای ترس، ایجاد محدودیت باز هم بیشتر برای زنان، دستگیری و خانه گردی، جمع کردن ماهواره ها و دهها اقدام دیگر قرار است زیر سایه فضای جنگی و تخاصم با غرب پیش برود و عمر بیشتری را برای جمهوری اسلامی به قیمت فقر و محرومیت و بی خانمانی بیشتر برای مردم تامین کند.

در چنین اوضاعی بیش از هر زمان ضرورت دخالت طبقه کارگر، ضرورت به میدان آمدن و قد علم کردن در مقابل این تعرض و فلاکتی که در انتظارش است، عیان است. اکنون بیش از هر زمان نیاز به اتحادی وسیع و سراسری، نیاز به دخالت کارگران در مراکز تولیدی مهم، نیاز به اتحاد و همبستگی طبقه کارگر در مقابل ماست. تعرض و خیال تحمیل فلاکت و فقر بیشتر را تنها ببنیصورت میتوان به سرابی تبدیل کرد. کل این اوضاع و همین نمونه شرکت پرس سنندج و تهدید به اخراج و بیکار کردن و قراردادهای برده وار، بیش از هر زمان لزوم اتحاد کل طبقه کارگر علیه بیکاری و لزوم تامین زندگی قابل تحمل را به جلو صحنه رانده است. راهی دیگر در مقابل ما نیست، یا قبول بازهم فقر و محرومیت بیشتر یا ایجاد سدی در مقابل این توحش است. چند ده نفر کارگر پریس در شهر سنندج با ۱۲ روز اعتصاب و مبارزه متدانه و قابل تحسین خود نشان دادند که ایجاد این سد ممکن است. تامین این مهم و به میدان آوردن طبقه کارگر بیش از هر زمان بر نوش کارگران آگاه و سوسیالیست، بر نوش رهبران دلسوز و بی توهم است. پیش شرط اتحاد کارگران در مراکز مختلف و اتحاد این صف در گرو اتحاد صف این رهبران و تصمیم آنان برای ایفای این نقش تاریخی است.

اوت ۲۰۰۶

اختناق و تعرض به معیشت مردم را باید با قدرت عقب زد!

مصاحبه تلویزیون پرتو با کورش

برقرار میکنند. در مرحله ای هم ممکن است سرباز ها را به خیابان گسیل کنند. مساله رژیم مردمی است که نمیخواهند سر بر تن رژیم باقی باشد. در این رویارویی دست رژیم برای اجرای هر سیاست و سازمان دادن هر تعرضی باز نیست. نوبتی تعرض میکند و در مقابل بلاگرفتن اعتراض عقب مینشیند.

امروز تعرض وسیعی برای جمع آوری آنتن های ماهواره ای شروع شده است. این تعرض به آزادی است. دارد به مفر نفس کشیدن مردم از چنگال تبلیغات سپاه اسلامی تعرض میکند. این تعرض به آزادی مردم در دسترسی به اطلاعات، دست آورد های بشری و اخبار است. اگر امروز در جمع آوری آنتن ها موفق شود، فردا خفقان وسیعتری را در جامعه برقرار خواهد کرد. مساله دیگری که میخواهم روی آن انگشت بگذارم مشکلاتی است که مردم با آن دست بگریبان هستند. رهبر ندارند. مردم انتخاب خود را نکرده اند و در یک حالت انتظار بسر میبرند. ترکیب دو فاکتور فضای جنگی و بیرهبر بودن جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی به دولت امکان تعرض داده است. اما با مقابله مردم عقب مینشیند. در یک تصویر کلی تر تعرض رژیم یک واقعیت است. اختناق وسیعتر شده است. شایعه است که در آستانه باز شدن مدارس و دانشگاهها در پوشش همین فضای نظامی رژیم در صدد دستگیری تعداد وسیعی از

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری

از صفحه ۲

فعالین دانشجویی و اجتماعی است. دستگیری ها، اگر صورت بگیرد، و حتی اگر بعد از آن هم بشوند، شل کن سفت کن هائی است که در آن جمهوری اسلامی در مجموع فضا را بسته تر میکند. ماحصل آن تنگ تر کردن فضا بر مردم و آزادی آنهاست. در همین فضای میهن در خطر است! تعرضات ابعاد تازه تری پیدا خواهد کرد. از کارگر و مردم زحمتکش میخواهند بیشتر و با مزد کمتر کار کنند، سوبسیدها را کاهش میدهند. قیمت های مواد مصرفی مردم را بالا میبرند و در یک کلمه با تعرض به معیشت کارگر سود سرمایه را بالا میبرند. این سیاستی است که رژیم اسلامی آگاهانه و نقشه مند دنبال میکند.

تلویزیون پرتو:

حمله ماموران رژیم به آنتن های تلویزیونی در پشت بامها نمونه تازه ای از تعرض به مردم را نشان میدهد. مردم برای دسترسی به برنامه های ماهواره ای جنگیده اند و داشتن آنتن ها را تمایل کرده اند. الان ماموران در نقاط مختلف و حتی شهرهایی مثل سندانج با بیل و کلنگ بجان خانه های مردم افتاده اند و آنتن ها را مصادره میکنند. آدم از خود میپرسد چگونه این تعرض به این سطوح پایه ای از حقوق مردم ممکن شده است؟

کوروش مدرسی:

روی دیگر فضای انتظار، البته ترس و فضای بی اعتماد، بخودی در میان مردم است. کل اپوزیسیون ایران تا حال تصویری را تقویت کرده اند که گویا از طریق تلویزیون و تبلیغات صرف میشود علیه جمهوری اسلامی انقلاب کرد. جمهوری اسلامی را سرنگون کرد. ما همواره علیه این برداشت ایستاده ایم. همواره گفته ایم که عقب زدن جمهوری اسلامی و خاتمه دادن به این وضع محتاج نیرویی است که در محلات و کارخانه مردم را سازمان دهد و بهم بیافد. به مردم قدرت بدهد. آنها را به میدان بکشد که عملا از زندگی شان دفاع کنند. به این ترتیب مردم را به پیروزی نزدیک کند. درک این مساله ابعاد دشوار نیست که اگر شعار دادن صرف میخواست ره بجایی برسد ما الان هخا را بعنوان رهبر مردم میداشتیم.

علیه حمله به آنتن ها هیچ راهی و هیچ فرمول سحر آمیزی در میان نیست. فحش و لعن و نفرین از دور هم کارساز نیست. مگر اینکه در هر جای ممکن مردم و طبقه کارگر متحد شوند و از خود دفاع کنند. مردم و بچه های محل میتوانند جلوی عمله و اکره رژیم در پائین کشیدن آنتن ها را بگیرند. میتوانند مزدوران رژیم را از کار خود پیشیمان کنند. چاره دیگری وجود ندارد.

اگر مردم اینها را پس نزنند و از خود دفاع نکنند، رژیم گامهای بیشتری بجو خواهد داشت. در مورد حمله به معیشت مردم هم قانون همین است. رژیم دارد دستمزد ها را میزند، بنزین و مواد مورد نیاز مردم را گرانتر میکند. باید منتظر تعرضها و گرانی بیشتر هم بود. در مقابل همه اینها باید مقاومت را سازمان داد. روی زمین سفت، ما مردم

باید متحد بشویم و این نقش را ایفا کنیم. کارگران، بخصوص کارگران صنایع کلیدی، میتوانند با دست از کار کشیدن با درک این واقعیت که طبقه کار یک موجودیت واحد است و بیکاری تنها مسئله کارگر بیکار نیست با این تعرض مقابله کنند.

تلویزیون پرتو:

شما پای اپوزیسیون را به میان کشیدید. از طرفی به نحوه کار آنها و تکیه شان به تبلیغات تلویزیونی ایراد میگیرید. از طرف دیگر در مورد مردم بدون رهبر بودن صف مردم عصبی علیه رژیم را مورد اشاره قرار میدهید. ربط این دو بهم چگونه است؟ چگونه میشود بر فضای موجود با توجه به این فاکتورها، غلبه پیدا کرد؟ راه شما در حزب حکمتیست کدام است؟

کوروش مدرسی:

ببینید، ما در اپوزیسیون ایران یک اپوزیسیون راست طرفدار غرب داریم که از سلطنت طلبان تا جمهوری خواهان و نئودمکراتها و جریانهای مشابه را در برمیگیرد. این اپوزیسیون از انواع شخصیتها و کتلهای تلویزیونی و رسانه ها برخوردارند. منافع اینها ایجاب نمیکند که مردم را به سمت عمل میلیتانت سوق دهند. مردم را به تحرک در آورند یا مردم را قدرتمند کنند. خیلی ساده به این دلیل که مردمی که به تحرک درآمده باشند، مردمی که خود باشند، بسادگی در فردا تسلیم هیچ شاه و یا مقام

دیگری نخواهند شد.

در نتیجه این اپوزیسیون هیچگاه در پی سازمان دادن مردم نیست. سنت سازمان دادن و بحرکت در آوردن متحدانه مردم در قاموس سیاسی اینها جایی ندارد. چون منفعت شان ایجاب نمیکند. در این میان همه امید به چپ جامعه بود که بتواند از پس چنین کاری برآید. بخش بزرگی از همین چپ از سر هپروتی بودن، بنسبال

سرنگونی رژیم از راه هنرپیشگی تلویزیونی بود که آنهم شکست خورده است و فاصله سیاسی خود با اپوزیسیون راست کمتر و کمتر میکند. در نتیجه جنبش سرنگونی سرگردان بعد از دو خرداد را داریم. مردم درک روشن، یا بگویم پرچم روشنی، در جنبش سرنگونی ندارند در عین حال جای نیرویی که این مردم را متحد کند و در صحنه سیاست و در صحنه جامعه آنها را هدایت کند خالی است.

در ماجرابی که امروز در جامعه ایران در جریان است، تعرض جمهوری اسلامی به آزادیها و اختناق، تعرض رژیم به آنتن ها و به حقوق زنان و محیطهای آموزشی، تعرض جمهوری اسلامی به معیشت و خصوصی سازیها همگی با هم یک آزمایش جدی در مقابل مردم و حزب ماست.

سوال این است که آیا رهبری حزب ما، آیا کمیته های کمونیستی، آیا واحدهای گارد آزادی موفق خواهند شد مقاومتی را توسط مردم سازمان دهند و تعرض رژیم را پس بزنند و با آنها محدود کنند؟ چنین مقاومتی رانه با کار از جنس تروریستی و نه با کار مسلحانه و نه با صدور اطلاعات و نصیحت مردم را نمیتوان سازمان داد. این کاری است که دست کمیته های کمونیستی و فعالین محلی را میبوسد. اینها باید بچه های محل را فی المثل جمع کنند و دست جمعی جلوی رژیم را بگیرند.

مزدوران را رسوا کنند، تهدید کنند. بچه های محل را جمع کنند و با هر وسیله از سنگ و چوب و تیر و کمان مزدوران را فراری دهند. اعتراض عمومی را سازمان دهند و این تعرضات را پس بزنند.

بخصوص در کردستان این امر بر دوش گارد آزادی سنگینی میکند. گارد آزادی در مقابل آزمایش مهمی قرار گرفته است. سوال این است که آیا گارد آزادی میتواند در شهرهای کردستان یک مقابله و مقاومت موثر را سازمان دهد و یا خیر؟ این سوال بعلاوه در مقابل کمیته های کمونیستی و رهبری حزب نیز قرار دارد. آیا در کارخانه ها، ما، و رفقای ما قادر خواهیم بود که در مقابل تعرض رژیم به طبقه کارگر یک صف مقاومت سازمان دهیم؟ آیا میتوانیم توجه کارگران را به این مساله خطیر جلب کنیم؟ آیا میتوانیم اتحاد کارگری علیه بیکاری را شکل دهیم؟ اینها رؤس مصافهائی است که در مقابل نیرو و فعالین حزب ما خوننمایی میکنند.

خطاب من به همه کمیته های کمونیستی، همه واحدهای گارد آزادی و همه سلسله مراتب و کمیته های تشکیلاتی است که وضع را در یبیلید! ما اگر بتوانیم یک مقاومت شایسته در مقابل جمهوری اسلامی توسط مردم را سازمان دهیم، آنوقت پس زدن جمهوری اسلامی کار بسیار ساده ای خواهد بود. مردم باید به این صف مقاومت بپیوندند. این امری است که دست ما، دست رفقای ما را میبوسد.

ادامه دارد

این گفتگو در تاریخ سوم شهریور ماه ۱۳۸۵ از تلویزیون پرتو پخش شده است. گفتگو و تهیه متن توسط مصطفی اسپور صورت گرفته است.

به حکمتیست ها به پیوندید!

انجمن مارکس - حکمت لندن

شنبه ۲۳ سپتامبر ساعت ۱۱ صبح

کوروش مدرسی

حزب، جامعه؛ حزب و جامعه

آناتومی چپ رادیکال

لطفاً از آوردن کودکان زیر ۱۶ سال خودداری کنید
ورودی: ۵ پوند

برای اطلاعات بیشتر با نسرین جلالی مدیر انجمن مارکس - حکمت تماس بگیرید

تلفن: ۰۷۷۰۸۱۲۵۹۹۳

marx.hekmat@gmail.com
marxhekmatstv.com/

بخشی از اطلاعیه حزب حکمتیست در رابطه با کشتار ۶۷

لیست شماره ۴ کمکهای مالی به پروژه تلویزیون

هرروزه

سوئد:	
۱- سیوان رضایی ۰۰۰۵ کرون	۱۱- سلام ذبیجی ۱۰۰۰ کرون
۲- لاله زندی ۲۰۰۰ کرون	۱۲- گل‌باغ سلیمی ۵۰۰۰ کرون
۳- ایبرج فرزاد ۲۰۰۰ کرون	۱۳- کلاویژ مصطفی‌پور ۱۰۰۰ کرون
۴- فهیمه قطبی ۴۰۰۰ کرون	۱۴- امیر ان ۱۰۰۰ کرون
۵- عبدالله شریفی ۲۰۰۰ کرون	۱۵- شهلا امینی ۷۰۰ کرون
۶- عدرا آدمی ۲۰۰۰ کرون	۱۶- پدرام ۳۰۰۰ کرون
۷- ابوبکر شریف زاده ۲۰۰۰ کرون	۱۷- نسیمیل حبیب پناه ۵۰۰ کرون
۸- مجید حسینی ۲۰۰۰ کرون	
۹- اوین و غفور زرین ۲۰۰۰ کرون	
۱۰- علی شریفزاده ۱۰۰۰ کرون	
۱۱- رستم گودرزی ۵۰۰۰ کرون	
۱۲- سارا مرادی ۱۰۰۰ کرون	

ایران

۱- رحمت باقری ۱۵۰۰ دلار
۲- هما اقبلی ۱۰۰۰ دلار
۳- فرهاد رشیدی ۱۰۰۰ دلار
۴- احمد شاکر ۲۰۰ دلار

تماس با حزب

گورش مدرسی لیدر حزب

koorosh.modarresi@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۷۴۸۶۳۰۸۳۳

رحمان حسین زاده معاون لیدر حزب

husienzade_r@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

عبدالله دارابی فرمانده گارد آزادی

dara.biabe@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۵۲۱۶۳

حسین مرادیگی دبیر کمیته کردستان

h_moradbeigi@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۹۱۶۲۱۳۶۳۴

نسان نودینیان دبیر کمیته خارج کشور

Nasan_nodinian@yahoo.de

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵

بهرام مدرسی دبیر کمیته داخل

bahram-modarresi@freenet.de

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱

جمال کمانگر دبیر سازمان جوانان حکمتیست

jkamangar@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

اسد نودینیان روابط عمومی حزب

nodinyan_a57@yahoo.se

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۶۵۳۵۵۶۷

دبیر خانه حزب

mail@hekmat.com

تلفن: ۰۰۴۴۷۸۳۰۳۷۹۵۲۶

تابستان ۶۷ یکی از مقاطع تاریخ خونین سرکوبگری جمهوری اسلامی

در تاریخ نزدیک به سه دهه از حاکمیت سپاه جمهوری اسلامی بر مردم ایران، مقاطع، روزها، ماهها و سالهای خونین سرکوبگری کم نیستند. سی خرداد ۶۰ و نسل کشی در سراسر ایران، حکم جهاد خمینی در مرداد ۵۸ و محاکمات یک دقیقه ای خلخال و تیربارانها در کردستان، تابستان ۶۷ و قتل عام زندانیان سیاسی در زندانها، ترورها و قصابی های اسلامی از نیروهای اپوزیسیون در خارج از کشور، قتل های زنجیره ای در ایران، و ... تنها مقاطعی از دریای عظیم عفونت و خونی است که این رژیم اسلامی با اتکا به آن جامعه را به خون کشیدند، این داستان تولد و بقا این رژیم است.

تابستان ۶۷ و قتل عام گسترده زندانیان سیاسی از جمله رویداد های دردناکی است که باید نسل به نسل در اذهان تاریخی جامعه بیاد بماند، واقعه ای که زنده نگاهداشتن و یاد کردن از آن، نه تنها برای قربانیان آن واقعه و همه قربانیان قبل و بعد از آن، نه تنها به خاطر بازماندگان آن هالوکاست، که برای بشریت، ضروری است تا یکی از جنایتکارترین وقایع تاریخی بیاد بماند و از آن مبارزه ای توانمند علیه جنایت و نسل کشی درس گرفته شود.

مردم آزابخواه!

قربانیان و بازماندگان نسل کشی و قتل عام زندانیان سیاسی تابستان ۶۷ را نباید فراموش کرد. اینها شاهدان و شاکیان یکی از تلخ ترین اتفاقات ضد بشری در جهان امروزد. باید یاد همه عزیزان قربانی این توحش، یاد همه جانبختگان این تراژدی و همه مبارزین راه آزادی و برابری را گرامی داشت و محبت و همدردی خود را نثار بازماندگان آنها کرد. باید همه کیفرخواست های این اتفاق را به میان کشید. جامعه بشری در مقابل اتفاقی از این دست باید مصون بماند. یک راه ایجاد این مصونیت بازگو کردن، مکتوب کردن و اعلام کردن همه کیفرخواست قربانیان فاشیست های اسلامی است. باید مسیبن این نسل کشی از جناحهای خوش خیم و بدخیم اسلامی را به پای میز محاکمه کشاند. باید مسئولین و مجریان قساوت عظیم اسلامی در ایران راه، نفر به نفر در دادگاههای مردمی محاکمه کرد. جانیان باید پاسخگوی جنایتشان باشند و مسئولیت جنایات عظیم خود را بعهده بگیرند. در سالروز قتل عام زندانیان سیاسی سال ۶۷ باید بار دیگر عزم خود را برای به زیر کشیدن و محاکمه سران رژیم اسلامی جزم کرد. در هر جا که ممکن است با خواست فوری آزادی زندانیان سیاسی اجتماع و تجمع کرد. صف اتحاد و مبارزه ای گسترده علیه جمهوری اسلامی ایجاد کرد. با شاخه های گل و در گرمیاداشت این عزیزان در اجتماعات خاوران شرکت کرد و صدای رسای اعتراض انسانی علیه این هالوکاست را رسا کرد. جامعه انسانی در سراسر جهان، باید بدانند که بر بخشی از پیکره بشریت، بر مردم ایران، بر نسلی از پرشورترین جوانان، دختران و پسران انقلابی در ایران، چه گذشت؟ در چنین روزهایی بار دیگر ضرورت به زیر کشیدن فاشیست های اسلامی گرد پرچم خواستهای انسانی بیش از هر وقت در صدر مبارزات مردم به ستوه آمده قرار دارد.

گرامی بد یاد همه جانبختگان تابستان ۶۷

زندانیان سیاسی باید آزاد شوند

مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۸ شهریور ۱۳۸۵ - (۳۰ اوت ۲۰۰۶)

سایتهای حزب و نهادهای نزدیک به حزب :

www.hekmatist.com

www.jawanx.com

www.marxhekmatistsociety.com

www.iran-telegraf.com

www.oktoberr.com

www.hekmat.public-archive.net

نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!